

روزنامه‌نگاری

# روز

<span><span><span></span></span></span>
یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۶
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY.COM
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANONLINE

# روز

<span><span><span></span></span></span>
یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۶
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY.COM
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANONLINE

# روز

روزنامه‌نگاری

چرا از ظرفیت‌های ارتباط با غول اقتصادی دنیا درست استفاده نمی‌کنیم؟

# ایران – چین؛ آش نخورده و دهان سوخته



علی ملکی خبرنگار گروه نقد روز

سفر عراقچی به یکن در شرایطی انجام شد که روابط ایران و چین در آستانه «فصلی تازه» قرار گرفته است؛ فصلی که شاید حاوی تحولاتی باشد که روابط راهبردی دو کشور را به

## علی فکری: باید در مورد کریدورهای اوراسیا پیشنهاد عملیاتی داشته باشیم

سفر عباس عراقچی به چین به‌ویژه حالا که شرایط منطقه به تغییراتی مواجه شده و دنیا نیز به سمت یک مدل جدید حرکت می‌کند، اهمیت زیادی دارد. از سوی دیگر بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید در این زمینه مؤثر است. علی فکری معتقد است بازگشت ترامپ ممکن است تغییراتی در روابط بسیاری از کشورها ایجاد کند. او درباره این تأثیرگذاری بر روابط ایران و چین گفت: «خوشبختانه ساختارهای روابط ایران و چین به‌گونه‌ای طراحی و ایجاد شده‌اند که به نظر من آسیب چندانی نخواهند دید، مگر اینکه خود ما یا یکی از دو طرف اشتباه‌هایی در این زمینه مرتکب شویم. به‌صورت کلی، بسیاری از این ساختارها در دوره اول ترامپ نیز وجود داشتند و همچنان بابر جانید، بنابراین، شخصاً نگرانی خاصی درباره اینکه با بازگشت ترامپ چه اتفاقاتی ممکن است رخ دهد، ندارم. اما مسائل منطقه‌ای، موضوعات جدیدی هستند و طبیعتاً نیاز کشورهای آسیایی به یکپارچه‌تر شدن و همکاری بیشتر را ایجاب می‌کنند. اینکه ما در ابتدای دولت شهید رئیسی به عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای درآمدم، امروز می‌تواند اهمیت خود را نشان دهد. سازمان همکاری شانگهای یک سازمان امنیتی، سیاسی و اقتصادی است؛ بنابراین، ابعاد این سازمان می‌تواند به‌صورت جدی‌تری خود را نمایان کند. اعضای این سازمان می‌توانند انسجامی را تعریف کنند تا مانع ورود ناامنی‌ها به مناطق تحت تأثیرشان شوند. در این خصوص باید با یکدیگر مشورت داشته باشند. عراقچی نیز احتمالاً در همین حوزه‌ها صحبت خواهد کرد. البته ایشان خودشان بهتر می‌دانند که باید در این مسیر چگونه پیش بروند.»

**– باید کریدور چین – پاکستان را جدی بگیریم**
همکاری‌های اقتصادی یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی است که

سطوح جدیدی برساند یا به باور برخی کارشناسان همچنان در همان چهارچوب گذشته نگه دارد. سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران روز جمعه (هفتم دی‌ماه) وارد چین شد تا در دیداری مهم با وانگ‌یی، وزیر امور خارجه این کشور، چشم‌اندازهای جدیدی را برای همکاری‌های دوجانبه بررسی کند.

### علی فکری: باید در مورد کریدورهای اوراسیا پیشنهاد عملیاتی داشته باشیم

ذیل روابط ایران و چین تعریف می‌شود. فکری با اشاره به کریدور چین – پاکستان و نقش آفرینی همسایه‌شرقی ایران گفت: «واقعیت این است که من پاکستان را به‌عنوان رقیب نمی‌بینم. همه کشورها، هم رقیب هستند و هم می‌توانند شریک باشند. ممکن است در برخی حوزه‌ها با ما رقابت کنند و در حوزه‌های دیگر با ما شراکت داشته باشند؛ بنابراین، این هنر ماست که بتوانیم حوزه‌های مشترک را بیشتر تقویت کنیم و در این زمینه‌ها همکاری بیشتری داشته باشیم. کریدورهای اقتصادی یک واقعیت هستند؛ برای مثال، کریدور چین – پاکستان که به پشت مرزهای ما رسیده و اکنون با شرایط کنونی دنیا اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. ما می‌توانیم با تقویت همکاری در این حوزه‌ها و ایجاد همکاری‌های سه‌جانبه، از بسیاری از عوارض احتمالی نیز جلوگیری کنیم. لازمه ارتقای جایگاه ایران این است که خود ایران هم پذیرد اکنون در مرحله‌ای بالاتر قرار گرفته است. از طرف دیگر، روشن است که این ارتقا اتفاق افتاده، زیرا پهنه اوراسیا بدون ایران بی‌معنی است. ایران حلقه‌ای است که فراموش شدنی و کنارگذاری نیست.»

**– نباید نگاهمان صرفاً برای رفع بحران باشد**
فکری با تأکید بر اینکه جایگاه ایران چه در رابطه با چین و چه در رابطه با روسیه ارتقا پیدا کرده و موضوعی غیرقابل تردید است، افزود: «مسئله این است که ما تا چه اندازه این نقش جدید خود را باور کرده‌ایم و تا چه حد سریع می‌توانیم این نقش را به رسمیت بشناسیم و برای آن اقدام کنیم. این موضوع در ابتدای راه قرار دارد و هرچند بسیار مهم است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند وقتی بتوانیم این گزاره کلی را به پروژه‌های عملیاتی تبدیل کنیم. یعنی باید بگوییم از آنجا که به این نقطه رسیده‌ایم، حالا این اقدامات مشترک

## روز

<span><span><span></span></span></span>
یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۶
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY.COM
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANONLINE

# روز

<span><span><span></span></span></span>
یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۳۱۶
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANDAILY.COM
<span><span><span></span></span></span>
FARHIKHTEGANONLINE

# روز

روزنامه‌نگاری

چرا از ظرفیت‌های ارتباط با غول اقتصادی دنیا درست استفاده نمی‌کنیم؟

# ایران – چین؛ آش نخورده و دهان سوخته

درحالی‌که حامد وفایی، کارشناس مسائل چین معتقد است که «به‌صورت قطعی نمی‌توان از بهبود روابط ایران و چین سخن گفت»، علی فکری، رئیس سابق سازمان سرمایه‌گذاری دیدگاهی متساوت دارد و بر این باور است که «جایگاه ایران برای چین ارتقا یافته است.» در ادامه به بررسی این موضوع و آغاز «فصل جدید» روابط تهران – پکن پرداخته‌ایم.

## علی فکری: باید در مورد کریدورهای اوراسیا پیشنهاد عملیاتی داشته باشیم

توسعه منجر نمی‌شود. برای رسیدن به توسعه، باید بنییم کدام گام‌ها بین ما و آن‌ها مشترکند و روی همان‌ها تمرکز کنیم.»

**– مدیریت روابط ایران و چین بستگی به رویکرد ایران نسبت به توسعه دارد**

در نظام بین‌الملل همه سرمایه‌گذاران محافظه‌کارند و این موضوع تنها مختص چین نیست. فکری با اشاره به این اصل توضیح داد: «در سراسر دنیا، وقتی می‌خواهند سرمایه خود را در جایی وارد کنند، ابتدا به مؤسسات ارزیابی ریسک مراجعه می‌کنند و بررسی می‌کنند که این سرمایه‌گذاری چقدر بازدهی خواهد داشت. این رویه برای همه وجود دارد و فقط به یک کشور یا یک سر‌مایه‌گذار خاص محدود نمی‌شود. اما اینکه چطور می‌شود این روند را مدیریت کرد، بستگی به این دارد که آن‌ها رویکرد طرف ایرانی را چگونه ببینند. آیا ایران در حوزه‌هایی که می‌تواند کریدورهای اوراسیا را تقویت و ارتباطات آن را مستحکم‌تر کند، پیشنهادهای عملی ارائه می‌دهد یا به‌جای آن به موضوعاتی مثل نیاز به ساخت بیمارستان در یک شهر یا ایجاد یک مجتمع تفریحی در شهری دیگر اشاره می‌کند و درخواست همکاری می‌کند؟ این دو رویکرد تفاوت‌های اساسی با هم دارند. اگر سرمایه‌گذاران به این تکیه برسند که ایران در رویکرد دوم قرار دارد، تصور خواهند کرد که هنوز توسعه‌ای در ایران شکل نگرفته است. اما اگر ایران در مسیر اول حرکت کند و تمرکز خود را بر تقویت زنجیره‌های ارتباطی بگذارد، آن‌ها نیز طبیعتاً با رغبت بیشتری وارد همکاری می‌شوند. در این صورت، ارزیابی‌هایی که انجام می‌دهند، نشان می‌دهد برخی ریسک‌های موجود در سرمایه‌گذاری با منافع حاصل از آن پوشش داده می‌شود و پروژه‌ها پیش خواهند رفت. در نهایت ان‌شاء‌الله دکتر عراقچی سفر موفقی داشته‌باشد و بتواند در این شرایط خاص منطقه‌ای دستاوردی برای مردم ایران از این سفر به تهران به ار مغنان بیآورد.»

این دیدار بر پایه روابط تاریخی دو کشور انجام شد و طی آن درباره موضوعاتی مثل انرژی، سرمایه‌گذاری، امنیت منطقه‌ای و برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های دوجانبه بحث شد. با این حال آنچه اهمیت این سفر را برجسته می‌کند، اشاره عراقچی به «فصل جدید روابط ایران و چین» است؛ عبارتی که تحلیلگران را به گمانه‌زنی‌های مختلف درباره مسیر پیش رو واداشته است.

## علی فکری: باید در مورد کریدورهای اوراسیا پیشنهاد عملیاتی داشته باشیم

را می‌توانیم انجام دهیم تا کشور را توسعه دهیم. این یک فرصت توسعه است و نباید صرفاً نگاهی برای رفع بحران‌ها داشته باشیم. بحران‌ها در این منطقه، برای کسانی که در آن زندگی می‌کنند، موضوعی گذرا و تکرارنشونده است. این چرخه دائماً در حال چرخش است؛ بنابراین، نباید نگاه بحرانی به مسائل داشته باشیم، اما نگاه توسعه‌ای حتماً باید داشته باشیم. وقتی جایگاه ارتقا پیدا می‌کند، مسیر توسعه نیز می‌تواند شکل جدیدی به خود بگیرد.»

**– اتفاقاتی مثل ۷ اکتبر فقط کاتالیزور روابط دو کشور است**

فکری حادثی مثل ۷ اکتبر را تنها به‌عنوان سرعت‌دهنده یا کاتالیزور در نظر گرفته و در این باره گفت: «یعنی مسیری را با تسریع می‌کند یا کند. اینکه نقش ایران تغییر کرده، موضوعی است که مدت‌ها پیش و قبل از اتفاقات ۷ اکتبر در منطقه رخ داده است. طبیعتاً حوادث ۷ اکتبر ممکن است تا حدی بر دو طرف اثر بگذارد و آن‌ها را وادار کند تا به برنامه‌های خود سرعت دهند، که امیدوارم این تأثیر در سمت ایران بیشتر باشد. اولین نکته این است که این تأثیرگذاری در سطح تصمیم‌گیری و اجرا پذیرفته شود. یعنی یک وقت شما بررسی می‌کنید و می‌گویید پروژه‌های یک تا صد نیازهای کشور من هستند. اما یک وقت دیدگاهتان را تغییر می‌دهید و می‌گویید بی میان این پروژه‌های یک تا صد، چهار یا پنج پروژه نیازهای مشترک من و چینی‌ها هستند. در این صورت است که می‌توانیم گام‌های توسعه‌ای را آغاز کنیم. اما اگر همیشه اصرار داشته باشیم که تنها نیازهای خودمان را برطرف کنیم، یک رابطه یک‌طرفه شکل می‌گیرد و هیچ گام توسعه‌ای برداشته نخواهد شد. در این حالت، نهایتاً با منابع موجود، یک همکاری خارجی هم در کنار شما خواهد بود که همکاری را ادامه می‌دهد، اما این به

## علی فکری: باید در مورد کریدورهای اوراسیا پیشنهاد عملیاتی داشته باشیم

ببینند شاخه‌های آن به چه سمتی می‌روند و چه بار و میوه‌ای خواهد داشت. هنوز این نتایج به‌طور ملموس دیده‌نشده است. امیدوارم که در این سفر، آقای عراقچی اگر چنین برنامه‌ای تهیه شده باشد، آن را روی میز بگذارد؛ این یک گام بسیار مهم خواهد بود. اگر چنین برنامه‌ای هنوز آماده نشده است، باید با طرف چینی هماهنگی کنند تا وارد این مرحله شویم. باید حداقل سطح روابط را از حالت عادی به مرحله‌ای راهبردی ارتقادهم. حتی اگر چیزی روی میز قرار نمی‌گیرد، باید حداقل آداب دیگری خود را برای برنامه‌ریزی و هماهنگی اعلام کنیم. می‌توانیم شامل تشکیل کارگروه‌ها یا برگزاری جلسات مشترک باشد.

نکته بسیار مهم در مورد راهبردی کردن روابط این است که روابط کنونی ایران و چین هنوز ویژگی‌های یک رابطه راهبردی حقیقی را پیدا نکرده است. روابط ما با چین هنوز در همان چهارچوب روابط عادی قرار دارد و نتوانسته‌ایم ابعاد و سوسه‌های لازم را به آن بدهیم تا به یک رابطه راهبردی بلندمدت و متناسب با تحولات منطقه و نظام بین‌الملل تبدیل شود؛ بنابراین، ما باید در سه‌لایه برای روابط با چین برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم؛ دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی. در لایه منطقه‌ای و بین‌المللی، سوبه‌ها و لایه‌های جدیدی وجود دارد. سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری شانگهای، بریکس و دیگر مجامع چندجانبه، مانند سازمان ملل متحد، فرصت‌هایی برای تعریف معادلات جدید و هدایت روابط با چین به سمت حوزه راهبردی فراهم می‌کنند. سفر آقای عراقچی می‌تواند در این حوزه‌ها مؤثر و فعال باشد و گامی جدی در جهت ارتقای روابط ایران و چین به سطحی راهبردی بردارد.»

**– چین؛ بدون تعارف در سیاست خارجی**

این کارشناس مسائل چین با اعتقاد به اینکه معیار مشخصی برای سنجیدن ارتقا یا تنزل روابط دو کشور نداریم، گفت: «اگر بخوایم؛ مثلاً روابط تجاری را معیار قرار دهیم، تحریم‌ها مانع بزرگی بوده‌اند. شاید اگر در شرایط عادی قرار داشتیم، یعنی بانک‌ها به‌درستی کار می‌کردند و شرکت‌ها آزادانه رفت‌وآمد داشتند، می‌شد مناسبات تجاری را به‌عنوان معیاری برای بررسی نگاه چین به ایران در نظر گرفت. اما در حال حاضر، فضای نابرابری وجود دارد. ما واقعاً نمی‌توانیم جایگاه امارات را با ایران مقایسه کنیم؛ زیرا سطح روابط امارات با حتی عربستان با چین بسیار بالاتر از ایران است. با این حال، به‌محض ورود به این مقایسه، مسئله تحریم‌ها و موانعی که برای شرکت‌های چینی ایجاد شده است، مطرح می‌شود. به همین دلیل، نمی‌توانیم به یک نسخه عادلانه و منصفانه برسیم که بر اساس آن بگوییم چه اتفاقی افتاده است. با این وجود، باتوجه‌به محدودیت‌هایی که جمهوری اسلامی طی این سال‌ها داشته‌روابطی که چین علی‌رغم این محدودیت‌ها با ایران حفظ کرده است، می‌توانیم برخی معیارها را در نظر بگیریم. مثلاً، ادامه خرید انرژی از سووی چینی‌ها، حتی تحت‌فشارهای دوره اول ترامپ و تهدیدات دوره دوم ترامپ و تأکید چین بر ادامه‌عامل با ایران، نشان می‌دهد که چین همچنان روی ایران حساب باز کرده است. علاوه بر این، باتوجه‌به راهبردی که چین برای روابط خود با جمهوری اسلामी تعریف کرده، این نکته اهمیت دارد. سیاست خارجی چین یک سیاست پراگماتیک و عمل‌گرا است و با هیچ کشوری تعارف ندارد. وقتی در دوران حساس مانند دوره اول دوم ترامپ، همچنان بر روابط راهبردی با ایران تأکید می‌کند و عالی‌ترین مقام کشور، یعنی دبیرکل حزب کمونیست، فرمانده کل قوا رهبر چین، در دیدار با آقای پزشکیان می‌گوید: «فارغ از تحولات منطقه و مسائل نظام بین‌الملل، ما برای توسعه روابط با شما کار خواهیم کرد»، این حرف‌ها تعارف نیستند. این نکات نشان می‌دهند که چینی‌ها روی ایران حساب کرده‌اند. حالا اینکه روابط ارتقا پیدا کرده یا کاهش یافته،

پس از روی کار آمدن، چندین دیدار با مقامات ارشد چینی دیدار داشته است. یکبار مقامات چینی به تهران آمدند، یکبار در اجلاس‌های بین‌المللی ملاقات‌هایی صورت گرفت و اخیراً نیز یکی از مقامات ارشد چین به ایران سفر کرده است. اکنون نیز آقای عراقچی در یکن حضور دارد. این وضعیت نشان می‌دهد روابط عادی در دستور کار قرار دارد و این روابط به‌طور سالم و بدون حاشیه پیش می‌رود. این عزم دو طرف برای حفظ روابط عادی است.»

**– دو صد گفته چون نیم کردار نیست**
برنامه‌ای که ایران و چین برای گسترش روابط خود و تبدیل آن به روابط راهبردی تنظیم کرده‌اند، نکته دومی بود که مورد توجه وفایی قرار گرفت. او در این باره گفت: «آقای عراقچی در یک یادداشت که امروز منتشر شد و در روزنامه اصلی ارگان حزب کمونیست چین، یعنی روزنامه «رین‌من» (روزنامه خلق) به چاپ رسید، از یک عبارت با ضرب‌المثل چینی استفاده کرده‌اند. معادل فارسی این ضرب‌المثل می‌شود: «دو صد گفته؛ چون نیم کردار نیست.» این تأکید بسیار مهم در عمل‌گرایی در روابط، در شرایط فعلی به نظر من مهم و بجاست. اما اینکه ما وارد حوزه عملیاتی شویم و روی‌آورد ما به سطح راهبردی ارتقادهم، مستلزم برنامه‌ریزی بلندمدت است. نمی‌دانم آیا آقای عراقچی با خود برنامه‌ای بلندمدت به یکن برده یا خیر. اگر او بخواهد این ضرب‌المثل را که به کار برده، واقعاً محقق کند، ضروری است که یک برنامه منکوب، مدون، بلندمدت و میان‌مدت روی میز همتای چینی خود، آقای وانگ‌یی، قرار دهد. توجه به این نکته اهمیت دارد که وانگ‌یی فقط وزیر امور خارجه چین نیست؛ او عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین نیز است و در مراتب سیاسی و حاکمیتی حزب کمونیست جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر آقای عراقچی در این سفر نتواند یک برنامه بلندمدت و میان‌مدت را به آقای وانگ‌یی ارائه کند، این نشان‌دهنده عزم دولت آقای پزشکیان برای گسترش روابط با چین خواهد بود. یک حوزه دیگر که باید به آن توجه کنیم، تحولات نظام بین‌الملل است و منطقه است که شرایط را برای چنین برنامه‌هایی ایجاد می‌کند. امیدوارم در این سفرها، چه در سفر معاون نخست‌وزیر چین به ایران که چند هفته پیش انجام شد، چه در سفر آقای عراقچی که امروز انجام شده است، دو طرف عزم خود را برای ارتقای سطح روابط نشان دهند.»

**– رابطه ایران با چین راهبردی و بلندمدت نبوده است**

تأثیر تحولات منطقه بر روابط ایران و چین، نکته دیگری بود که وفایی به آن پرداخت و تصریح کرد: «تحولات سریعی که در منطقه در حال وقوع است، نشان می‌دهد که روابط عادی دو کشور ایران و چین، دیگر پاسخگوی نیازهایی که این تحولات ایجاب می‌کنند، نیست. درک این نکته بسیار مهم است. چینی‌ها به‌خوبی متوجه جایگاه جمهوری اسلامی هستند. همان‌طور که آقای پزشکیان تأکید کرده‌اند و مهم‌تر از آن، در جلسه تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری ایشان، رهبر انقلاب نیز تأکید کردند که یکی از برنامه‌های دولت جدید باید گسترش روابط با کشورهای باشد که در دوران تحریم به ایران کمک کردند. طبیعتاً یکی از این کشورها، چین است. به نظر من، اشاره رهبر انقلاب به‌طور مشخص به چین بوده است. پس از آن، آقای پزشکیان نیز چه در کنفرانس مطبوعاتی، چه در مصاحبه‌ها و اظهارات خود به این موضوع تأکید کردند. با این حال، تمام این‌ها مستلزم وجود یک برنامه راهبردی است. در دولت آقای روحانی، با تلاش‌های آقای ظریف و آقای لاریجانی، برنامه ۲۵ ساله‌ای تدوین شد. اما این تنها یک گام اولیه بود؛ مانند کاشتن درختی که حالا همه منتظرند

به‌طور قطعی نمی‌توان گفت. اما جایگاه ایران بر سه پایه مهم استوار است؛ ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، ژئواکونومیک ایران و ژئوکالچر ایران.»

**– چین با دورزدن ایران هم نمی‌تواند کریدور تجاری تعریف کند**

ابتکار تمدن جهانی، ابتکار امنیت جهانی و ابتکار توسعه جهانی، ابتکاراتی هستند که رهبر چین در این سال‌ها به آن اشاره کرده است. وفایی با اشاره به اهمیت این ابتکارات گفت: «وقتی جایگاه جمهوری اسلامی را بررسی می‌کنیم و تقاطعی میان ظرفیت‌های جمهوری اسلامی و برنامه‌های راهبردی چین می‌گیریم، می‌توانیم نقاط مشترک بسیاری پیدا کنیم. از منظر تمدنی، برنامه تمدن جهانی چین را در نظر بگیریم. آیا چینی‌ها می‌توانند بدون تمدن ایرانی و پارسی از تمدن جهانی سخن بگویند؟ غیر ممکن است. بارها این موضوع مطرح شده و من اخیراً در یک نشست اندیشکده‌های ایران و چین در این مورد صحبت کردم. گفتم مگر می‌شود کسی از تمدن‌های جهانی حرف بزند و تمدن پارسی، تمدن ایرانی و تمدن اسلامی را نادیده بگیرد؟ این غیر ممکن است و حتی خود چینی‌ها نیز این مسئله را قبول ندارند. آیا می‌شود کسی از امنیت در غرب آسیا صحبت کند و ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی را نادیده بگیرد؟ غیر ممکن است. آیا می‌توان از توسعه جهانی، توسعه در خاورمیانه یا توسعه در غرب آسیا سخن گفت و ژئواکونومیک جمهوری اسلامی را نادیده گرفت؟ این عملاً غیر ممکن است. جایگاه ایران، مانند آفتاب درخشانی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. برای مثال، اگر چین بخواهد کریدورهای تجاری تعریف کند، آیا می‌تواند ایران را دور بزند؟ برخی طرح‌ها دیده‌ام که این ادعا را مطرح کرده‌اند، اما در عمل چنین چیزی غیر ممکن است. در فضای ژئواکونومیک، وقتی بحث انرژی مطرح می‌شود، ظرفیت‌های ایران در نفت و گاز قابل چشم‌پوشی نیست. وقتی بحث کریدورها پیش می‌آید، موقعیت استراتژیک ایران با دریای خزر در شمال، تنگه هرمز، دریای عمان و خلیج فارس در جنوب و منطقه مهم چابهار در جنوب شرقی، اهمیت بی‌بدیلی پیدا می‌کند. اما مسؤال اینجاست؛ اگر این سه پایه (ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر) وجود دارند و در طرح‌های راهبردی چین نیز به چشم می‌خورند، چرا این اتفاق به‌طور کامل نیفتاده است؟ به نظر من، این موضوع به همان مسئله برنامه‌ریزی بازمی‌گردد که پیش‌تر اشاره کردم. وقتی در ایران نگاه راهبردی به روابط با چین وجود نداشته باشد و روابط در سطح عادی متوقف شسوند، طبیعتاً این همکاری شکل نمی‌گیرد. علی‌رغم اینکه در تمامی دوره‌ها شاهد بوده‌ایم که چینی‌ها نگاه بلندمدتی به همکاری با جمهوری اسلامی داشته‌اند، این نگاه ناشی از همان سه پایه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر است. جمهوری اسلامی، با جغرافیا، فرهنگ و تمدن خود، بخششی از این معادلات است که نمی‌توان آن را کنار گذاشت. اما لازمه تحقق این اهداف، استفاده از این پایه‌ها و داشتن نگاه بلندمدت به روابط است. باید تقاطعی میان ظرفیت‌های ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی و طرح‌های راهبردی چین ایجاد شود. اگر این اتفاق بیفتد، می‌توانیم ابتکارات مطرح‌شده توسط رهبر چین را با برنامه‌های راهبردی کشور خود گره بزنیم. در این صورت، چینی‌ها به‌وضوح خواهند دانست که چه سهمی از توسعه در جمهوری اسلامی در اختیار دارند. این رویکرد، آنان را به سرمایه‌گذاری و حضور بلندمدت در ایران دعوت خواهد کرد. از دل چنین برنامه‌ریزی و نگاه بلندمدتی است که می‌توان به بازآرندگی ژئواستراتژیک دست یافت. اگر بتوانیم این سه حوزه را با چین پیوند بزنیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که روابط دوجانبه به بازآرندگی برای جمهوری اسلامی منجر شوند.»